

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۶ / صفحات ۱۹۱-۱۶۵

راهبرد توسعه ملی و الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت

سیدمحمد موسوی دهموردی، وحید بزرگی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۱

چکیده

الحاق به سازمان جهانی تجارت منافع سرشاری برای اقتصاد داخلی و تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. از این رو این کشور در سال ۱۳۷۵ تصمیم به عضویت در این سازمان بین‌المللی تجاری گرفته و در طی دو دهه گذشته در این راه تلاش بسیاری نموده است، اما به دلیل وجود برخی مشکلات داخلی و مخالفت‌های خارجی (عمدتاً آمریکا)، این کشور نتوانسته است به این هدف دست پیدا کند. جمهوری اسلامی ایران در طی چند دهه اخیر نتوانسته است برخی اقدامات را در راستای تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و آماده‌سازی اقتصاد داخلی جهت اتصال به اقتصاد جهانی و الحاق به سازمان جهانی تجارت انجام دهد، اما علی‌رغم همه این تلاش‌ها، کم‌کم مشکلات و تناقضات عدیده‌ای بین برنامه‌ها و راهبردهای توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران و مقتضیات سیستم تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت وجود دارد. این مقاله در پی بررسی برنامه‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه ملی و الحاق به سازمان جهانی تجارت است و تلاش شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا برنامه‌ها و راهبردهای توسعه ملی ایران، این کشور را جهت الحاق به سازمان جهانی تجارت آماده کرده است.

واژگان کلیدی: راهبرد توسعه ملی، تدوین و اجرا، الحاق، سازمان جهانی تجارت، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Email: Mohammadmousavi114@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

۲. عضو هیات علمی و دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

صحت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و مقاله بیانگر دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست

مقدمه

پدیده جهانی شدن با الزام آور ساختن همکاری در تجارت بین‌الملل، تأثیر شگرفی بر این پدیده گذاشته است تا جایی که می‌توان به جرات اذعان کرد هیچ پدیده دیگری در طول تاریخ به این اندازه بر روندهای تجارت بین‌الملل تأثیر نگذاشته است. جهانی شدن باعث افزایش چشمگیر تجارت و مبادلات جهانی در یک نظام اقتصادی بین‌المللی (که دایماً بازتر و یکپارچه‌تر می‌شود) شده است. بنابراین پدیده جهانی شدن با گسترش تجارت بین‌الملل و همکاری میان کشورها، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را غیر قابل اجتناب کرده است، نهادهایی که را با گسترش موضوعات اقتصادی و تجاری‌ای از قبیل سرمایه‌گذاری خارجی، وام و استقراض خارجی، رشد تجارت بین کشورها، شکل‌گیری شرکت‌های چند ملیتی و غیره وظیفه تنظیم مقررات و کارکردهای اقتصاد و تجارت بین‌الملل را بر عهده دارند. در واقع از بعد از جنگ جهانی دوم با افزایش تعداد کشورها و رشد تجارت و همکاری بین‌المللی ضرورت تأسیس این نهادها و سازمان‌های بین‌المللی احساس شد و این مسئله منجر به تأسیس چندین سازمان بین‌المللی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تجاری و توسعه‌ای در سطح جهان گردید. صندوق بین‌المللی پول^۱ و بانک جهانی^۲ هر دو حاصل این احساس نیاز بودند که در کنفرانس مالی-پولی برتون وودز^۳ در سال ۱۹۴۴ وظیفه تنظیم مقررات و کارکردهای پولی و مالی در جهان بعد از جنگ جهانی دوم را بر عهده گرفتند. در عرصه تجاری نیز احساس نیاز به موافقت‌نامه‌های چند جانبه برای ترویج تجارت فی ما بین دولت‌ها و توسعه حقوق و رویه‌های تجاری بین‌المللی منجر به ایجاد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۴ (GAAT) در سال ۱۹۴۴ شد. سازمان جهانی تجارت^۵ نیز به عنوان خلف موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در سال ۱۹۹۴، در پی مذاکرات گسترده‌ای که از سال ۱۹۸۶ در شهر پانتا دل استه^۶ اروگوئه شروع شده بود، جایگزین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا همان گات (GAAT) شد و در قالب این سازمان به تدریج یک نظام تجاری جهان شمول متولد شد.

امروزه سازمان جهانی تجارت یکی از پایه‌های جهانی شدن، به ویژه در حوزه اقتصاد به شمار می‌رود. بدین سان کشورهای عضو این سازمان تلاش می‌کنند برای تسریع روند جهانی شدن و استفاده از منافع آن، این سازمان را توسعه داده و جایگاهش را ارتقاء بخشند. از سوی دیگر کشورهایی که عضو این سازمان نیستند نیز تلاش می‌نمایند تا به عضویت آن درآمده و با استفاده از امتیازات عضویت در این نهاد بین‌المللی به توسعه اقتصادی

1 International Monetary Fund

2 World Bank

۳. کنفرانس برتون وودز (Bretton Woods) در سال ۱۹۴۴ در نیو همپشایر (New Hampshire) آمریکا تشکیل شد.

4 General Agreement on Tariffs and Trade (GAAT)

5 World Trade Organization (WTO)

6 Punta del Este

و صنعتی دست پیدا کنند. اما عضویت در سازمان جهانی تجارت فرایندی پیچیده و طولانی است و با عضویت در دیگر سازمان‌های بین‌المللی به کلی متفاوت است. در واقع الحاق به این سازمان مستلزم در پیش گرفتن تلاش‌هایی در دو حوزه؛ تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و در پیش گرفتن یک سیاست خارجی تعامل‌گر است. بدین ترتیب کشور متقاضی الحاق می‌بایست به تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و ایجاد آمادگی در بخش‌های مختلف اقتصادی، تجاری، صنعتی، حقوقی، اجتماعی و غیره برای تطبیق شرایط خود با مقتضیات اقتصاد و تجارت جهانی و قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت بپردازد تا راه برای ورود آن کشور به سازمان جهانی تجارت هموار شود. در بعد خارجی نیز، کشور متقاضی الحاق می‌بایست با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی تعامل‌گرا و یک دیپلماسی توسعه‌نگر موافقت کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت با الحاق خود را به دست آورد. چرا که بدون کسب این موافقت الحاق هیچ کشوری به سازمان جهانی تجارت انجام نمی‌گیرد و الحاق عضو جدید به این سازمان مستلزم اجماع نظر تمامی اعضای سازمان است. بدین ترتیب حتی مخالفت یک عضو سازمان هم می‌تواند از الحاق اعضای جدید جلوگیری نماید.

یکی از کشورهایی که در پی الحاق به سازمان جهانی تجارت است، کشور جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۳۷۴ از این سازمان درخواست عضویت کرده و در سال ۱۳۸۴ با وضعیت ناظر پذیرفته شد. جمهوری اسلامی ایران از زمان تقدیم درخواست الحاق به شورای عمومی سازمان جهانی تجارت تاکنون با فراز و نشیب‌های فراوان در حال گفت و گو و مذاکره جهت کسب کرسی عضویت در این سازمان مهم است اما هنوز موفق به انجام چنین کاری نشده است. دلایل عدم موفقیت ایران در دستیابی به کرسی عضویت دائم در سازمان جهانی تجارت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول به مشکلاتی بر می‌گردد که این کشور در حوزه تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و ایجاد آمادگی‌های داخلی با آنها مواجه است. دسته دوم نیز شامل مخالفت‌های برخی از کشورها از قبیل ایالات متحده آمریکا با الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت است. در این مقاله در پی بررسی مخالفت‌های خارجی و راهکارهای مقابله با آن نیستیم، بلکه به بررسی اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و کسب آمادگی داخلی خواهیم پرداخت و سعی می‌کنیم به این سوال پاسخ دهیم که "آیا جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته توانسته است در زمینه تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه برای کسب آمادگی‌های لازم برای الحاق به سازمان جهانی تجارت موفق عمل کند؟ بدین ترتیب پس از ارائه تاریخچه مختصری از تلاش‌های ایران برای الحاق به WTO، به بررسی و تحلیل اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای کسب آمادگی‌های داخلی برای الحاق به سازمان جهانی تجارت خواهیم پرداخت.

۱. تاریخچه روابط ایران با سازمان جهانی تجارت

در زمان برگزاری کنفرانس هاوانا در سال ۱۹۴۷، هیأت نمایندگی ایران در آن کنفرانس شرکت کرد (Alavi,2010: 141) و منشور هاوانا^۱ را که حاوی طرح تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی بود را امضاء نمود. (Hockman,2014: 41-43) از سوی ایران نصرالله انتظام، سفیر وقت ایران در سازمان ملل متحد^۲ منشور هاوانا را به امضاء رساند. (بزرگی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) این سازمان به دلیل مخالفت کنگره آمریکا و به دنبال آن عقب نشینی سایر کشورهای امضاء کننده از مواضع قبلی خود هیچگاه وجود خارجی پیدا نکرد، اما موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به عنوان تنها ثمره آن اجلاس به وجود آمد (Guzman,2006: 84) و به حیات خود تا تشکیل سازمان جهانی تجارت در ۵۰ سال بعد ادامه داد. ایران به جهت اینکه از امضاءکنندگان منشور هاوانا مبنی بر تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی بود، از همان نخستین سال آغاز به کار گات در سال ۱۹۴۸ از عضویت ناظر در جلسات طرف‌های متعاقد گات برخوردار بود، اما تا پایان عمر گات خواستار الحاق به آن نشد. علاوه بر عضویت ناظر در جلسات طرف‌های متعاقد که معمولاً سالانه و به مدت چند هفته برگزار می‌گردد (Lal dos,1999: 15)، ایران در سال ۱۹۷۴ خواستار کسب وضعیت ناظر در شورای نمایندگان گات گردید که در نشست ژوئیه همان سال مورد بررسی قرار گرفت و متعاقباً پذیرفته شد. مطالعه سوابق حضور ایران در ادوار مختلف مذاکرات تجاری نیز نشان می‌دهد که ایران علی‌رغم دعوت‌های مکرر برای شرکت در مذاکرات تجاری گات، هیچگاه پروتکل اجرای موقت گات را امضاء نکرد و به تبع آن در هیچ یک از ادوار هشت گانه مذاکرات تعرفه ای نیز شرکت نکرد. (بزرگی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰) حضور و فعالیت ایران در سایر سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی آن، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، پیمان‌های منطقه‌ای مانند سنتو^۳ و غیره چشمگیر بود، ولی چرا شاه هیچگاه تصمیم جدی برای تبدیل وضعیت ایران در گات نگرفت؟ چندان مشخص نیست. یکی از دلایل مطرح شده در این زمینه این است که نفت اصولاً جزء مذاکرات تجاری نبود که کشورهای صادرکننده نفت بخواهند با شرکت در گات منافع خود را تأمین کنند. ضمناً تعرفه وارداتی نفت همیشه در کلیه کشورها پائین بوده و نزدیک به صفر است، در حالی که مالیات‌های نفت بالا است. آنچه در گات مذاکره می‌شد تعرفه‌های وارداتی بود نه مالیات مصرف و لذا ورود به گات، در آن زمان دستاورد چشمگیری برای ایران به حساب نمی‌آمد. از سوی دیگر شاه به دلیل داشتن روابط حسنه با غرب و مبادلات تجاری روان با کشورهای توسعه یافته، بدون عضویت رسمی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نیز می‌توانست از امتیازات حاصله در مذاکرات این موافقت نامه استفاده کند، لذا شاه با حفظ وضعیت ناظر در گات هیچگونه تعهد

1 Havana Charter

2 International Trade Organization (ITO)

3 United nations

4 Central Treaty Organization (CENTO)



رسمی در مورد واگذاری امتیازات به دیگر اعضاء نمی‌پذیرفت، اما به برکت روابط دوجانبه از تسهیلات گات در رابطه با شرکای تجاری خود بهره‌مند می‌گردید. (فاخری، ۱۳۸۶: ۱۶۷) علاوه بر این، در سال‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ راهبرد توسعه‌ای ایران به سیاست مبتنی بر صنعتی سازی جایگزینی واردات^۱ بیشتر نزدیک بوده است تا سیاست مبتنی بر توسعه صادرات^۲، که سیاست رسمی گات و پس از آن سازمان جهانی تجارت است و به غیر از نفت و صنایع وابسته که تحت شمول قوانین و مقررات گات قرار نمی‌گرفتند، عمده اقلام تجاری ایران در آن زمان فرش، پسته، زعفران، خاویار و صنایع دستی بود و صادرات ایران در حدی نبوده است که لزوم عضویت رسمی در گات احساس گردد. در نتیجه ایران به عضویت ناظر در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) اکتفا کرده و هیچ وقت نیازی برای عضویت رسمی و دائمی در این موافقت نامه احساس نکرده و در این مسیر قدم نگذاشته است.

در اوایل انقلاب اسلامی نیز دیدگاه مثبتی نسبت به نظام جهانی و بالتبع سازمان‌های بین‌المللی وجود نداشت. همچنین بخاطر مسائل گوناگون نظیر جنگ و تحریم اقتصادی و غیره، تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران اندک بود، بنابراین عضویت در گات و بعد از آن سازمان جهانی تجارت در آن زمان چندان ارجحیتی نداشت. (سنایی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۸) اما بعد از پایان جنگ ایران و عراق، سیاست خارجی ایران در دهه دوم انقلاب و به دنبال تغییر رویکردهای داخلی و تحولات بین‌المللی دچار تغییر و تحول شد. ضرورت‌های ناشی از بازسازی و جبران خسارت‌های ناشی از جنگ، تلاش برای انطباق با الگوهای محافل اقتصادی جهان همچون بانک جهانی، بازنگری در حیطه فعالیت‌های دولت و لزوم کوچک شدن حجم دولت و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی، طرح سیاست تنش زدایی، گسترش روابط اقتصادی با کشورهای صنعتی اروپایی، اتخاذ سیاست‌های مربوط به خصوصی سازی، تشویق سرمایه گذاری خارجی، ایجاد مناطق آزاد تجاری در سطح کشور، کاهش تدریجی یارانه‌ها، آزادسازی تجارت، مقررات زدایی از بخش اقتصادی و کنترل رشد جمعیت موجب تغییر سیاست‌های داخلی شد و بالتبع سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داد و روند ادغام بیشتر کشور در فرایند جهانی را تسریع کرد. (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶: ۶۹) از این رو جمهوری اسلامی ایران تصمیم به الحاق به سازمان جهانی تجارت گرفته است. به عبارت دیگر در این زمان جمهوری اسلامی ایران به این مسئله پی برده است که به دلیل حوزه گسترده موضوعات کاری سازمان جهانی تجارت، این سازمان هر روز از تأثیر بیشتری برخوردار خواهد بود و خارج ماندن از سازمان به منزله مستثنی شدن از روند امتیازات تجاری، امکان جذب سرمایه و مشارکت در تقسیم بین‌المللی کار و سرمایه است. کشورها می‌توانند با افزایش توانائی‌های خود، میزان بهره‌وری از امتیازات سازمان را افزایش دهند، یا مقدار هزینه‌های خود را تقلیل بخشند تا سهم بیشتری در تجارت جهانی به دست آورند و از توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی بیشتری برخوردار شوند. از این رو خارج ماندن از سازمان به معنای دور ماندن از روند تصمیم

سازی و قاعده سازی در عرصه اقتصاد و تجارت بین‌الملل و عدم استفاده از امکانات این سازمان برای توسعه اقتصادی و تجاری است.

به دنبال این تحولات و مقارن با مذاکرات دور اروگوئه (۱۹۸۶ - ۱۹۹۴) تحقیق و بررسی در زمینه موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و بررسی اثرات احتمالی عضویت ایران از ابتدای سال ۱۳۷۰ (آوریل ۱۹۹۱) در دستور کار وزارت بازرگانی قرار گرفت. چند هفته پس از پایان مذاکرات دور اروگوئه، یعنی در سپتامبر ۱۹۹۳ (آذرماه ۱۳۷۲) هیئت دولت با تشکیل کمیته بررسی اثرات عضویت در گات موافقت نمود. این کمیته در معاونت بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی با حضور نمایندگانی از ۲۱ وزارتخانه و دستگاه دولتی تشکیل شد و با برگزاری ۱۸ جلسه کارشناسی، طی مدت یک سال و نیم، حاصل مطالعات، بررسی‌ها و نظرات مکتوب دستگاه‌های عضو را جمع‌بندی و توصیه‌های خود را در قالب یک گزارش مفصل ۵ جلدی ارائه نمود. پس از جمع‌بندی مطالعات و نظرات کمیته بررسی عضویت ایران در گات و ارائه آن به هیئت دولت و نهایتاً تأیید توصیه‌های این کمیته از سوی کمیسیون ویژه دولت، موضوع با مقام رهبری در میان گذاشته شد. ایشان با انجام مذاکرات الحاق موافقت کرده و تأکید کردند که ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت رعایت گردد و گزارشات منظم و دقیقی از پیشرفت مذاکرات به ایشان ارائه گردد. (بزرگی، ۱۳۸۶: ۱۵۲) گزارش این بررسی‌ها توسط وزیر بازرگانی وقت در خرداد ۱۳۷۲ (ژوئن ۱۹۹۳) به هیئت دولت ارائه شد و هیئت دولت موضوع دنبال کردن عضویت ایران در گات را به پس از اتمام مذاکرات دور اروگوئه موکول کرد. در این بین بر اساس تصمیم وزیران عضو موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در مراکش در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ (۲۶ فروردین ۱۳۷۳) مبنی بر تأسیس سازمان جهانی تجارت، از آغاز سال ۱۹۹۵ (۱۱ دی ۱۳۷۳) گات جای خود را به سازمان جهانی تجارت سپرده بود. اگرچه ایران با وجود برخورداری از عضویت ناظر در جلسات طرف‌های متعاقد و شورای نمایندگان گات، تا پایان عمر این نهاد خواستار عضویت کامل در آن نشد، ولی با تأسیس سازمان جهانی تجارت نسبت به تمدید عضویت ناظر خود در این سازمان اقدام کرد و متعاقب بررسی‌های فوق‌الذکر در ژوئیه ۱۹۹۵ (تیر ۱۳۷۴) درخواست عضویت ناظر خود را تسلیم دبیرخانه سازمان کرد. در این درخواست که نخستین درخواست عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت بود، ایران با اشاره به برخورداری خود از عضویت ناظر در گات و مطابق با پیوست دوم آیین نامه شورای عمومی و به همراه ارائه یادداشتی از سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود، خواستار عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت شد و به علاوه سازمان را مطلع ساخت که درخواست الحاق خود را تحت بررسی دارد. (بزرگی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲) اما به دلیل برخی موانع سیاسی درخواست‌های الحاق ایران تا نزدیک به ۵ سال در دستور کار جلسات شورای عمومی قرار نگرفت. در همین راستا، با جلب نظر کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه در اجلاس‌های مختلف بین‌المللی (به خصوص اجلاس آنکتاد)، نهایتاً از سوی کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت در اسفند ۱۳۷۹ این نکته مورد درخواست قرار گرفت که با ایران برخورد سیاسی نشود و پیشنهاد عضویت ایران همانند هر کشور

درخواست‌کننده دیگر در دستور کار شورای عمومی سازمان جهانی تجارت که هر دو ماه یک بار برگزار می‌شود، قرار گیرد. سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ (۸ مه ۲۰۰۱)، برای نخستین بار و بر اثر فشار وارده از سوی کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت و همچنین به دلیل تغییرات حادث شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (که با روی کار آمدن دولت اصلاحات آغاز گردید و منجر به در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی با کشورهای غربی شد) از بار مخالفت‌های برخی کشورهای غربی عضو سازمان با درخواست الحاق ایران کاسته شد و درخواست این کشور در دستور کار شورای عمومی سازمان جهانی تجارت قرار گرفت. با این حال، از آن زمان به مدت بیش از چهار سال، به‌رغم حمایت گسترده اعضای سازمان جهانی تجارت اجماع شورای عمومی برای آغاز فرایند الحاق ایران به دلیل عدم رضایت آمریکا به دست نیامد. سرانجام نشست شورای عمومی در ۸ مه ۲۰۰۱ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰) برای اولین بار بررسی درخواست الحاق ایران را در دستور کار خود قرار داد. در این نشست پس از طرح موضوع توسط رئیس جلسه شورای عمومی نماینده آمریکا باز هم از حصول اجماع درباره موضوع ایران جلوگیری کرد. اظهارات نماینده آمریکا در ۲۰ نشست دیگر شورای عمومی در طول سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۳ تکرار شد و مانع از حصول اجماع بر سر تشکیل گروه کاری الحاق ایران و آغاز مذاکرات الحاق گردید. (Alavi, 2010: 144) اما بالاخره بیست و سومین نشست شورای عمومی جهت بررسی درخواست الحاق ایران در ۲۶ مه ۲۰۰۵ (۵ خرداد ۱۳۸۴) به انتظار طولانی ایران برای ورود به فرآیند الحاق پایان داد و درخواست الحاق ایران به اجماع اعضای سازمان جهانی تجارت رسید. در واقع، در این زمان پیشرفت‌هایی در مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی حاصل شد و آمریکا با دست برداشتن از مخالفت با مطرح کردن درخواست الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت در پی این بود تا این کشور را به عقب نشینی در مذاکرات هسته‌ای و پذیرش شرایط کشورهای غربی تشویق نماید. البته اقدامات گروه غیر رسمی کشورهای در حال توسعه به ریاست نماینده مصر در فراهم شدن شرایط الحاق در شورای عمومی قابل توجه بوده و کمک شایانی به وارد شدن جمهوری اسلامی ایران در پروسه الحاق کرد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران به عضویت ناظر این سازمان درآمد و فرآیند عضویت کامل (الحاق) به این سازمان را آغاز کرد و پس از یک دهه وقفه، مجدداً وضعیت ناظر خود را در نظام تجاری چند جانبه، که در کل دوره ۵۰ ساله گات از آن برخوردار بود را اعاده کرد. (مراد پور، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۹) پس از آن جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی تدوین یادداشت رژیم تجارت خارجی خود را در دستور کار قرار داد. البته در سال ۱۳۷۷ موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی که نهادی وابسته به وزارت بازرگانی سابق و وزارت صنعت، معدن و تجارت فعلی است تهیه یادداشت رژیم تجارت خارجی کشور را آغاز نمود و بعداً توسط دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری وزارت بازرگانی در سال ۱۳۸۰ مورد بازبینی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۵ بار دیگر محتوای یادداشت رژیم تجارت خارجی بازنگری شد و

متعاقباً به صورت غیر رسمی به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت و آنکتاد ارسال شد تا نظرات اولیه دریافت و پس از بررسی و انجام اصلاحات لازم به صورت رسمی به سازمان جهانی تجارت تسلیم گردد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰: ۴۵۶) به فاصله کوتاهی از شروع به کار دولت دهم نیز یادداشت رژیم تجارت خارجی در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۸۸ تصویب و مقرر شد تا از طریق وزارت امور خارجه به سازمان جهانی تجارت تحویل گردد. در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۸۸ این سند به صورت رسمی تحویل پاسکال لامی مدیر کل سازمان جهانی تجارت (مدیرکل سابق) شد و به دنبال آن توسط دبیرخانه، در اختیار اعضای سازمان قرار گرفت. بر اساس رویه و مقررات موجود سازمان، اعضا پس از مطالعه رژیم تجارت خارجی سوالات خود را در مورد مطالب مطرح شده ارائه می‌کنند و کشور متقاضی الحاق موظف است پاسخی تمامی سوالات را ارائه کرده تا بر اساس آن مذاکرات الحاق آغاز گردد. بر همین منوال اعضای سازمان ۶۹۷ سوال به ایران ارائه داده‌اند. سوالات ارائه شده توسط وزارت بازرگانی تفکیک شد و بر اساس وظایف هر کدام از نهادهای داخلی برای آنها ارسال گردید. مجموع پاسخ‌های دریافتی از نهادهای مختلف نیز در آذرماه سال ۱۳۹۰ به دبیرخانه سازمان تحویل داد شد. پس از آن نیز هیأت دولت در خرداد ماه ۱۳۸۹ طرحی را به تصویب رساند که بر مبنای آن کارگروه الحاق به سازمان جهانی تجارت با عضویت تعدادی از وزیران و رؤسای دستگاه‌های ذی ربط از جمله وزیر بازرگانی، وزیر امور خارجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنایع و معادن، وزیر نفت، رئیس بانک مرکزی و رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (به عنوان نماینده بخش خصوصی) تشکیل می‌شود. هدف از ایجاد این کارگروه هماهنگی، برنامه ریزی و تسریع در فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت اعلام شده و تصمیمات گروه با اکثریت اعضا در حکم تصمیمات دولت خواهد بود. اخیراً نیز دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران که ارگان راهبر و هماهنگ کننده پروسه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بود منحل شده و وظایف این سازمان بر عهده سازمان توسعه تجارت که نهادی زیر مجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت است قرار گرفته است (۱۳۹۲) و از این به بعد این سازمان وظایف مربوط به الحاق ایران به WTO را پیگیری می‌نماید.

به نظر می‌رسد پایان مذاکرات هسته ای و تنش زدایی در روابط ایران با کشورهای غربی، فرصت خوبی در اختیار دست اندرکاران حوزه مذاکرات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت قرار داده است تا این مسئله را جدی تر از گذشته دنبال کرده و به سرانجام برسانند. چرا که پس از دستیابی به توافق هسته ای و کاهش مشکلات سیاسی، اینک نوبت اقتصاد است تا ترمیم یابد. در این رهگذر ورود هیأت‌های اقتصادی از کشورهای اروپایی به ایران نشان از تمایل کشورهای غربی برای گسترش روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین در زمان کنونی می‌بایست به تنش زدایی در سیاست خارجی ادامه داد و از فرصت‌هایی که در پیش گرفتن این سیاست برای ایران ایجاد می‌کند برای رشد صنعت و گسترش تجارت خارجی و کسب حمایت سایر کشورها برای الحاق به

1 United Nations Conference on Trade and Development(UNCTAD)

2Pascal Lamy

سازمان جهانی تجارت استفاده نمود. به عبارت دیگر با حل مشکلات سیاسی ناشی از مسئله هسته‌ای و از بین رفتن تحریم‌ها، فرصت برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای تأثیرگذار در درون این سازمان فراهم شده است و این مسئله قدرت چانه زنی جمهوری اسلامی ایران برای کسب کرسی عضویت در WTO را افزایش داده است. اما الحاق این ایران به سازمان جهانی تجارت تنها در گرو برداشتن موانع سیاسی خارجی نیست، بلکه بسیاری از مشکلات و موانع داخلی نیز وجود دارند که توانسته‌اند مشکلات بسیاری در دو دهه اخیر ایجاد کنند و بدون تردید در آینده نیز موانع عدیده‌ای بر سر راه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت ایجاد می‌کنند. در ادامه به مرور این مشکلات و موانع و سنجش اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه خواهیم پرداخت. اما قبل از آن به ضرورت تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه برای الحاق به WTO خواهیم پرداخت و نیم‌نگاهی به تجربه الحاق چین به عنوان یک کشور موفق و یک عضو تأثیرگذار در سازمان جهانی تجارت خواهیم داشت.

۲. تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه و الحاق به سازمان جهانی تجارت

۲-۱. مباحث نظری و نیم‌نگاهی به تجربه چین

پیوستن به سازمان جهانی تجارت هدف غایی نبوده و چنین امری زمانی در جهت منافع یک کشور به شمار می‌آید که بتواند زمینه حضور بیشتر کالاها و خدمات تولیدی داخل را در بازارهای جهانی فراهم کند. در غیر این صورت کشور متقاضی الحاق به صورت یک طرفه بازارهای بهتری را در اختیار کالاها و خدمات خارجی خواهد داشت و این به معنای تضعیف توان تولیدی داخلی بوده و یا حتی نابودی برخی از آنها را به همراه خواهد داشت. از این رو تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه قبل از شروع فرآیند الحاق ضروری است. در این راهبرد باید ضمن تقویت بخش‌های آسیب‌پذیر، مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور مورد شناسایی قرار گرفته و برای رقابت در بازارهای بین‌المللی آماده گردد. (فاخری، ۱۳۸۶: ۷۲) بنابراین الحاق به سازمان جهانی تجارت تنها نیازمند سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی و تجاری پویا و فعال و خردمندانه نیست (Coolseat, 1998: 3)، بلکه این امر نیازمند راهبرد ملی توسعه و فراهم کردن پیش‌نیازها و لوازم توسعه در اقتصاد داخلی و تدوین برنامه جامعی برای اقتصاد داخلی و تجارت خارجی و پیش‌بینی اثرات الحاق بر بخش‌های مختلف اقتصادی، تجاری، مالی، کشاورزی، صنعتی و غیره کشور و اجرای گام به گام آن است. (Bretherton, 1991: 23) به بیان دیگر الحاق به سازمان جهانی تجارت بایستی به دنبال تدوین راهبرد همه‌جانبه توسعه و به عنوان جزئی از آن قلمداد شود. چرا که در غیر این صورت ممکن است صنایع و تولیدات داخلی به دلیل عدم آمادگی و ورود بدون برنامه به رقابت بین‌المللی دچار ورشکستگی شده و اثرات نامطلوبی بر تمام سیستم اقتصادی و تجاری کشور ملحق شده به سازمان جهانی تجارت بگذارند.

چین قبل از شروع فرآیند پیوستن به سازمان جهانی تجارت راهبرد ملی توسعه‌ای خود را تعیین کرده و چارچوب برنامه عمل خود در اقتصاد داخلی و بین‌المللی اش را مشخص کرده است. در راهبرد توسعه این کشور مسائلی از قبیل؛ رشد اقتصادی و رفاه عمومی بر مدار اقتدار سیاسی و امنیتی، همراه با گشایش‌های تدریجی اجتماعی گنجانده شده است. این الگو جهت دهنده تمامی برنامه‌ها و موتور حرکت اقتصاد چین بود. در واقع مدل توسعه چین، ترکیبی از عقلانیت و نظم عقلایی و سود محور غربی، همراه با ویژگی‌های بومی چینی و برخی اصول اقتصاد سوسیالیستی است. در این مسیر اصلاحات نهادی و قانونی در بخش‌های مختلف دولتی به شکلی وسیع و همه جانبه صورت گرفت و این اصلاحات همچنان ادامه دارد. همچنین این راهبرد توسعه به تدریج منجر به ورود بازیگران جدید به سیستم تصمیم‌گیری چین شد. امروزه بازیگران غیررسمی نیز به تدریج در سیاست خارجی و دیپلماسی این کشور درگیر می‌شوند. کنترل دولت بر تصمیم‌گیری خارجی و دیپلماسی عمیقاً از توسعه داخلی و جهانی شدن متأثر می‌شود. امروزه رهبران چین به دانش، تخصص، مهارت‌ها و در برخی مواقع مشروعیت گروه‌های اجتماعی در راستای تنظیم سیاست خارجی و سایر سیاست‌های توسعه‌ای داخلی ارزش و اهمیت می‌دهند. (Hooghe, 2007: 11-12) همچنین دستگاه بوروکراسی چین در راستای تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری از دو جنبه، یعنی کاهش کمیت و افزایش کیفیت اصلاح شده و برای افزایش کیفیت دو نکته اصلی جوان‌گرایی و تخصص‌گرایی و توجه به نخبگان را مد نظر داشته است، که همه این موارد در راستای تقویت و کارآمدی دستگاه اداری این کشور در راستای روند رو به جلوی چین بوده است. (سلطانی، ۱۳۹۳: ۵۳) به دنبال طی کردن این روند بود که تجارت چین در هر دو زمینه کالا و خدمات در آستانه الحاق به سازمان جهانی تجارت، برای بیش از یک دهه از رشد دو رقمی برخوردار بود (بیش از دو برابر نرخ متوسط جهانی)، موضوعی که به معنای آمادگی اقتصاد این کشور برای ورود به عرصه جهانی و عضویت در سازمان جهانی تجارت بود. الحاق به سازمان جهانی تجارت دسترسی به بازارهای امن، قابل پیش‌بینی و غیر تبعیض‌آمیز شرکای تجاری عضو سازمان را برای جمعیت بیش از ۱/۳ میلیارد نفری چین فراهم کرد. این امر همچنین موجب دسترسی این جمعیت انبوه به کالاها و خدمات تمامی اعضای سازمان در شرایطی امن و غیر تبعیض‌آمیز گردید. الحاق به سازمان جهانی تجارت همچنین به این کشور اجازه داد تا روابط شکننده و پرخطر دوجانبه‌ای که این کشور پیش از الحاق برای شکل دهی به تجارتش با شرکای تجاری مهم خود در پیش می‌گرفت را به یک رابطه چند جانبه تجاری با بقیه دنیا تبدیل نماید. (امیدبخش، ۱۳۸۸: ۵۷) در همین راستا و در جهت کمک به توسعه اقتصاد ملی از طریق سیاست خارجی، سیاست‌مداران چین دست به اصلاحات و اقدامات گسترده‌ای در این عرصه زده‌اند. رعایت الزامات توسعه اقتصادی، منجر به فعال شدن این کشور در مناطق، روابط با سازمان‌ها و کشورهای مختلف شد. در ابتدا دنگ شیائو پینگ برای تسهیل نوسازی اقتصادی، همکاری با جامعه بین‌المللی را ترویج داد و در روابط با کشورهای نظیر آمریکا سیاست تنش زدایی را دنبال نمود که توسط رهبران بعدی چین نیز با سرعت بیشتری دنبال شد. این کشور حضور بین‌المللی خود را با افزایش مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی

و غیردولتی^۱ به ویژه سازمان‌های مالی گسترش داد و به تدریج از وضعیت انزوای دوران مائو خارج شد. (Medeiros, 2003) در بعد داخلی نیز فرآیند اصلاحات اقتصادی در چین از اواسط دهه ۱۹۸۰ تحول جدی یافت که به خوبی می‌توان آن را در عملکرد تجاری این کشور مشاهده کرد. چین در این سال‌ها تلاش‌های بسیاری در راستای اصلاح ساختار اقتصادی و آزادسازی به عمل آورد و بسیاری از موانع تجارت خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را از میان برد. (فتحی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

اقدامات چین در تدوین و اجرای گام به گام برنامه‌های توسعه ملی به قدری موفق بوده است که پس از گذشت حدود ده سال از الحاق چین به سازمان جهانی تجارت، اثرات این الحاق بر اقتصاد و تجارت این کشور نشان داده شده است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین ۱۱ و نیم درصد بوده است که این رشد در مقابل رشد ۳/۹ درصدی جهانی در مدت مشابه، بسیار قابل توجه است. البته از نظر حجم تولید این کشور در این دوره به طور میانگین سالانه ۴,۰۴۳ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی داشته است. با توجه به آمار و ارقام موجود، چین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز موفق عمل کرده است. چنانچه در سال ۲۰۰۵ شرکت‌های خارجی بالغ بر ۲۸ درصد از ارزش اضافی صنعتی و یک‌پنجم مالیات چین را تأمین می‌کردند. همچنین آنها حدود ۵۷ درصد از کل کالاها و خدمات را صادر و بیش از ۱۱ درصد از اشتغال محلی را ایجاد کرده‌اند. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین از نظر مقداری، از ۱/۵ میلیارد دلار در اوایل دهه ۱۹۸۰ (شروع اصلاحات) به رقم خیره‌کننده ۳۴۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است. با توجه به آمار و ارقام بانک جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی در چین روز به روز پویایی بیشتری پیدا می‌کند. بعد از الحاق به سازمان جهانی تجارت، چین بعد از ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری جهانی شد. از سال ۲۰۰۵، بخش‌های دولتی و خصوصی اقتصاد چین مورد توجه سرمایه‌گذاران بین‌المللی به ویژه در حوزه منابع و انرژی قرار گرفت. میزان سرمایه‌گذاری خارجی این کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۰/۹ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۱۲ رقم ۸۴/۲ درصد افزایش یافت. همچنین سرمایه‌گذاری این کشور در سال ۲۰۱۱ در اتحادیه اروپا ۷/۶ میلیارد دلار، کشورهای عضو سازمان آسه آن ۵/۹ میلیارد دلار، ایالات متحده آمریکا ۱/۸ میلیارد دلار و در روسیه به میزان ۷۱۶ میلیون دلار بوده است. (Morrison, 2012: 18-19)

در واقع دوراندیشی رهبران چین و ایجاد آمادگی‌های داخلی قبل از الحاق به سازمان جهانی تجارت، باعث تا این کشور پس از عضویت در سازمان جهانی تجارت بتواند از این سازمان به عنوان سکویی برای رشد و پیشرفت صنایع و شرکت‌های چینی استفاده کند و مضراتی که ممکن بود به دلیل عدم آمادگی‌های داخلی نصیب شرکت‌ها و صنایع چینی شود را رفع کرد. این مسئله در طی چند سال پس از الحاق چین به سازمان جهانی تجارت اثرات مهمی بر صنایع و شرکت‌های چینی گذاشت. برای مثال در سال ۲۰۰۴ شرکت دولتی لنوو آکه شرکتی در

زمینه کامپیوتر بود توانست واحد کامپیوترهای شخصی شرکت آی بی ام را خریداری نماید و از این طریق توان رقابت خود در بازار جهانی لوازم الکترونیکی را افزایش دهد. یک نمونه دیگر شرکت CNOOC چین بود که به منظور گسترش فعالیت‌های اقتصادی خویش شرکت آمریکایی UNOCAL، که یک شرکت نفتی بود را خریداری نمود. (Franklin, 2006: 38-39)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که چین از سال‌ها قبل از ورود به سازمان جهانی تجارت راهبرد توسعه‌ای خود را تدوین کرده و بخش‌های مختلف اقتصاد خود را برای ورود به عرصه جهانی و رقابت با رقیبان سرسخت در درون سازمان جهانی تجارت آماده کرده بود. آمادگی‌ای که در صورت بی‌توجهی به آن معلوم نبود آیا این کشور می‌توانست پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت به یک ابرقدرت اقتصادی و تجاری تبدیل شود؟

۳. بررسی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در زمینه تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه

بدیهی است که هر کشور مستقلی در پذیرش تعهدات بین‌المللی، منافع و مصالح ملی خود را در نظر می‌گیرد و در مورد عضویت در سازمان جهانی تجارت، اقتضات توسعه اقتصادی از جمله مهمترین منافع ملی به شمار می‌رود. (Bora, 2000: 24-25) اساساً اصول و قواعد سازمان جهانی تجارت بر این منطبق استوار شده است که کشورها بدون به خطر انداختن اهداف اقتصاد ملی خود، نسبت به آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌ها اقدام کرده و بپذیرند که اصول عدم تبعیض و چندجانبه‌گرایی را رعایت کنند، نه این که تمامی کنترل‌ها، موانع تجاری و ابزارهای ضروری حمایتی را یکباره حذف کنند. حضور در این سازمان باید ابزاری برای پیشرفت و توسعه صنعتی تلقی شود و نه مانعی برای ترقی کشورها. اگر جز این باشد، تمام کشورهای عضو سازمان، اقدامی مغایر با منافع ملی و اقتضات توسعه‌ای خود انجام داده‌اند. بنابراین اگر اعضای سازمان احساس کنند که عضویت در این سازمان، آنها را از اهداف توسعه‌ای خود دور می‌کند، به سادگی می‌توانند از این سازمان خارج شوند که البته تاکنون هیچ کشوری نسبت به خروج از آن اقدام ننموده است. اما برای استفاده بهینه از امکانات سازمان، تدوین راهبرد ملی توسعه و گام نهادن در مسیر اجرای آن بسیار مهم بوده و از پیش‌نیازهای اساسی الحاق به سازمان جهانی تجارت است، چرا که پیوستن به WTO یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای است که در راستای رسیدن به اهداف توسعه‌ای کشورها به کار می‌رود و کشورها تلاش می‌کنند با پیوستن به این سازمان از ابزارها و امکانات حضور در آن برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و تجاری خود استفاده نمایند. به عبارت دیگر مسئله‌ای که در رابطه با الحاق به سازمان جهانی تجارت باید قبل از هر چیز دیگری مورد توجه قرار گیرد این است که کشورهای در حال الحاق، راهبرد توسعه‌ای ملی خود را تدوین کرده و در مسیر اجرای آن قرار بگیرند و اهداف اصلی خود از الحاق به سازمان جهانی تجارت را بر اساس تجزیه و تحلیل دقیق راهبردها و سیاست‌های اقتصادی بنیادین

خود و انطباق آنها با تعهدات مورد نظر سازمان، به روشنی تعیین کنند. (دبیرخانه آنکتاد، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵) این مسئله در رابطه با عموم کشورهای که پس از الحاق به سازمان به کسب حداکثر منافع دست یافته‌اند و توانسته‌اند از این سازمان به عنوان سکویی برای جهش و توسعه اقتصادی استفاده نمایند، صدق می‌کند. نمونه بارز این مسئله جمهوری خلق چین است که توانست با درپیش گرفتن یک راهبرد توسعه‌ای موفق، خود را آماده الحاق به سازمان جهانی تجارت کند و پس از رسیدن به این هدف، از امکانات و فرصت‌های آن برای ارتقای قدرت و منزلت اقتصادی و صنعتی خود استفاده نموده و در حال حاضر به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل شود. بر عکس این مورد نیز کشورهای نظیر پاکستان و سریلانکا هستند که از سال‌های اولیه بنیان‌گذاری گات به آن پیوسته‌اند اما هنوز به درجه مطلوبی از صنعتی شدن دست نیافتند. (عبدیان، ۱۳۷۶: ۳۷)

۳-۱. راهبرد ملی توسعه و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتن راهبردهای توسعه‌ای معمولاً در قالب برنامه‌های توسعه‌ای انجام گرفته است. تاریخ تدوین برنامه‌های توسعه در ایران به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. این برنامه‌ها که در قالب برنامه‌های عمرانی ۵ ساله تدوین می‌شدند تا سال ۱۳۵۷ و وقوع انقلاب اسلامی ایران ادامه داشتند. با وقوع انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کشور درگیر مسائل سیاسی و مشکلات ناشی از جنگ شد و تمام امکانات و ظرفیت‌های کشور برای اداره جنگ تحمیلی و مقابله با عراق به کار گرفته شد و طبیعتاً فرصت یا امکانی برای تدوین و اجرای راهبردها و برنامه‌های توسعه در آن زمان وجود نداشت. با اتمام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و آغاز بازسازی کشور ضرورت تدوین راهبردهای ملی توسعه احساس گردید و از این زمان به بعد بود که شاهد تدوین و اجرای برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه ایران هستیم. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مجموعه برنامه‌های ۵ ساله‌ای اطلاق می‌شود که توسط دولت‌های وقت تدوین و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسید. این برنامه‌ها در بازه‌های ۵ ساله از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ تدوین شده‌اند و ادامه دارند. سال ۱۳۸۸ پایان برنامه چهارم توسعه بود و با دو سال تأخیر، برنامه پنجم توسعه از سال ۱۳۹۰ آغاز شد. در آغاز مطالعات مربوط به برنامه چهارم بود که مقام معظم رهبری دولت را موظف کرد که چشم‌اندازی را ترسیم کند که در آن برنامه‌های توسعه هم سو و هم جهت در یک مسیر حرکت کنند. پس از آن دولت چنین کاری را انجام داده و برای مقام معظم رهبری ارسال نمود. ایشان نیز آن برنامه را برای بررسی مجدد به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستادند که در پی بررسی‌های فراوان در کمیسیون‌های مختلف مجمع و تصویب در صحن مجمع، برای مقام معظم رهبری ارسال شد و ایشان تغییرات محدودی در آن ایجاد کرده و آن را برای دستگاه‌های اجرایی ابلاغ نمودند. در این سند آمده است که ایران در سال ۱۴۰۴ "کشوری است توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، الهام بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل". (سازمان مدیریت و برنامه ریزی

کشور، ۱۳۸۸) در واقع در این سند و سایر برنامه‌های توسعه اهدافی تعیین شده است که در صورت تحقق یافتن، کشور را آماده حضور در عرصه‌های اقتصاد و تجارت جهانی کرده و زمینه‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت را فراهم می‌کنند.

در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۶۸) توجه چندانی به مقتضیات اقتصاد جهانی و تطبیق مؤلفه‌های و شاخصه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با مقررات نظام تجارت چندجانبه نشده بود، چرا که در آن زمان اولویت‌های کشور، مسائل سیاسی و ضرورت اداره امور کشور در زمان جنگ بود و اصولاً دیدگاه چندان مثبتی نسبت به نظام جهانی و مقررات و رویه‌های حاکم بر آن نیز وجود نداشت. اما در برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) رویکرد بهتری نسبت به تعامل با جهان خارج اتخاذ شد. در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) باز هم توجه بیشتری به تجارت و اولویت دادن به جهش صادراتی صورت گرفت و سعی شد که موانع و مشکلات صادرکنندگان از جمله تبعیضاتی که در بازارهای جهانی به دلیل عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت در مورد تجار و کالاهای ایرانی صورت می‌گرفت کاهش یابد. در دوران برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۳-۱۳۷۹) تحولات خوبی در راستای هماهنگی بیشتر با اصول سازمان جهانی تجارت صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان به یکسان‌سازی نرخ ارز، حذف پیمان‌سپاری، حذف و کاهش موانع غیرتعرفه‌ای مانند حذف بسیاری از مجوزهای ورود و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای، تا حدودی رقابتی نمودن اقتصاد و تنظیم انحصارات، تصویب قانون تجمیع عوارض، گسترش خصوصی‌سازی، تصویب قانون تشویق حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، و تعامل فعال‌تر با کشورهای جهان در راستای راهبرد توسعه صادرات اشاره نمود. متوسط نرخ‌های تعرفه گمرکی هم که در سال‌های اولیه پس از انقلاب برای حمایت بیشتر تولیدات و صنایع داخلی افزایش یافته بود، روندی رو به کاهش و شفاف‌تر به خود گرفت. خصوصی‌سازی، اصلاح نظام مالیاتی، راه اندازی شبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور، تنش‌زدایی سیاسی و اقتصادی از دیگر اقدامات مؤثر و مثبت طی برنامه سوم بود. (قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir).

با توجه به تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران در افق ۱۴۰۴ که بر اساس آن، ایران باید کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل گردد، راهبرد بلندمدت توسعه کشور تعیین گردید. با این چشم‌انداز، در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، به ویژه در فصول دوم و سوم احکامی برای تعامل بیشتر با اقتصاد جهانی و هموارسازی الحاق به سازمان جهانی تجارت درج شد که به سیاست جهش صادراتی و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، روان‌سازی جریان تجارت و توسعه صادرات کالاها و خدمات، تجمیع کلیه حقوق و عوارض دریافتی، حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای غیرفنی با رعایت موازین شرعی و اعمال نرخ‌های معادل تعرفه‌ای، کاهش

دامنه و تعداد طبقات تعرفه‌ای، منع محدودسازی صادرات با هدف تنظیم بازار داخلی، ممنوعیت برقراری مالیات و عوارض بر صادرات جز عوارض ویژه صادرات مواد اولیه فراوری‌نشده، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری و تجارت آزاد با کشورها، خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی، حذف یا کنترل انحصارات موجود دولتی و تهیه لایحه تسهیل شرایط رقابتی و ضدانحصار، محدود شدن قیمت‌گذاری به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی، هدفمندی یارانه‌ها، انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی و ارتقای سطح استانداردهای ملی، اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات مربوط به واردات به منظور ایجاد شفافیت در نظام تجاری، هماهنگ‌سازی نظام‌های قانونی و حقوقی با کنوانسیون‌های بین‌المللی، طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت فکری، ایجاد ظرفیت‌های قانونی و حقوقی جدید از قبیل تدابیر حفاظتی تجاری اعم از اقدامات جبرانی و ضد دامپینگ و اقدامات مؤثر حفاظتی و غیره اشاره داشتند. (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir) بر اساس ماده ۱۵۵ برنامه مذکور هم برای اولین بار سند توسعه ویژه (فرابخشی) الحاق به سازمان جهانی تجارت تهیه و در جلسه مورخ ۵ مرداد ۱۳۸۴ هیأت وزیران تصویب شد که در آن اهداف و راهبردهای کلان و سیاست‌ها و اقدامات اجرایی مربوط به الحاق ذکر شده بود. در این سند، وظایف وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها به شرح زیر تعیین گردیده بود:

- ۱- تعیین وزیر بازرگانی وقت به عنوان نماینده تام‌الاختیار تجاری کشور در مذاکرات الحاق،
- ۲- تشکیل ستاد راهبردی الحاق با مسئولیت وزارت بازرگانی سابق و عضویت دستگاه‌های ذی‌ربط،
- ۳- تأسیس دفتر نمایندگی ایران نزد سازمان جهانی تجارت در ژنو تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۴- آموزش نیروی انسانی و هسته‌های کارشناسی دستگاه‌های اجرایی در امور مربوط به سازمان جهانی تجارت و تنظیم ویراست جدید گزارش رژیم تجارت خارجی تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۵- ساماندهی نظام تعرفه‌ای کشور به همراه کاهش تدریجی نرخ‌ها تا پایان سال ۱۳۸۶ (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۶- تنظیم و تصویب قوانین و مقررات جدید -از جمله قانون و مقررات ضد دامپینگ، قانون صادرات و واردات، و قانون ضد انحصار (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۷- تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (بانک مرکزی)،
- ۸- کاهش تدریجی یارانه‌ها، ساماندهی یارانه و هدفمند کردن کل یارانه‌ها (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۹- همسو نمودن سیاست‌های پولی و مالی با قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت (بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی)،
- ۱۰- گسترش بازار سرمایه و ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی کالا (وزارت امور اقتصادی و دارایی)،
- ۱۱- تنظیم نظام حقوقی حاکم بر خریدهای خارجی تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی سابق)،
- ۱۲- تنظیم ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری خارجی تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی سابق)،

۱۳- لازم الاجرا بودن استانداردها و ضوابط ابلاغ شده توسط وزارت بازرگانی سابق برای بنگاههای تولیدی و تجاری،
 ۱۴- اصلاح قوانین و مقررات از جمله قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری-صنعتی (وزارت امور اقتصادی و دارایی)،

۱۵- کسب حمایت سیاسی دیگر کشورها در حین الحاق (وزارت امور خارجه)،

۱۶- برقراری نظام حقوق مالکیت فکری بین‌المللی در ایران. (donya-e-eqtasad.com)

در همین سال‌ها، ابلاغیه مقام معظم رهبری در مورد تسریع در انجام موضوع بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی و گسترش هرچه بیشتر خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخش خصوصی جهت حضور رقابتی در بازارهای بین‌المللی از دیگر مستندات است که در جهت هماهنگی و آماده‌سازی هرچه بیشتر اقتصاد کشور با رشد و کارایی بیشتر و انطباق با استانداردهای بین‌المللی صورت گرفته است. ولی متأسفانه بسیاری از مصوبات قانونی در این زمینه جامه عمل نپوشیده و یا حتی در بعضی موارد، روندی برخلاف جهت تعیین شده به خود گرفته است.

سال ۱۳۹۰ اولین سال اجرای برنامه پنجم توسعه ج.ا. ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بود. در این برنامه هم از جمله ذیل عناوین تجارت و سیاست خارجی بر اهدافی مانند حضور فعال و مؤثر در مناسبات و نهادهای بین‌المللی، تقویت دیپلماسی اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار و کاهش وابستگی به نفت تأکید شده و احکامی در مورد حذف موانع غیرتعرفه‌ای غیرفنی موجود و تبدیل آنها به نرخ‌های معادل تعرفه‌ای و منع برقراری موانع غیرتعرفه‌ای غیرفنی جدید، مگر برای رعایت موازین شرعی (به استثنای محصولات کشاورزی)، ممنوعیت اخذ هر گونه مالیات و عوارض از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات جز در مورد یارانه‌های مستقیم دریافتی صادرکنندگان، منع محدودسازی صادرات با هدف تنظیم بازار داخلی جز در برخی موارد معین، محدود شدن قیمت‌گذاری به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی یارانه‌ای و ضروری، اتخاذ تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در موارد مقتضی و غیره آورده شده است. در شق «و» ماده ۱۰۴ قانون مذکور هم دولت موظف شده است که ضمن همسوسازی قوانین و مقررات بخش تجاری کشور با قوانین و مقررات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت، نسبت به آماده‌سازی و توانمندسازی ارکان اقتصادی کشور برای عضویت در سازمان جهانی تجارت اقدام قانونی نماید. (قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir)

علی‌رغم تمام این برنامه و سیاست‌های کلان اقتصادی و با وجود اینکه بازسازی اقتصادی و حرکت رو به جلوی اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی و به خصوص پس از جنگ تحمیلی موجب پیشرفت و هر چه آماده تر شدن ایران برای ورود به اقتصاد جهانی و الحاق به سازمان جهانی تجارت شده است و برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای توانسته‌اند در طی بیش از ۲۰ سال گذشته وضعیت اقتصادی کشور را در بسیاری از حوزه‌ها دگرگون کرده و پیشرفت‌هایی را موجب شوند، اما به رغم اینکه در برخی از برنامه‌های توسعه‌ای و به خصوص برنامه توسعه چهارم فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای ورود به اقتصاد جهانی و ایجاد آمادگی برای الحاق به سازمان جهانی تجارت



توصیه شده است، (مجله فرهنگ و تعاون، ۱۳۸۳: ۲۵) اما بررسی فرآیند توسعه ایران نشان می‌دهد که این برنامه‌ها و سایر اقدامات توسعه‌ای دیگر، به دلایل مختلفی نتوانسته‌اند آنچنان که در ابتدا انتظار می‌رفت، ایران را آماده حضور در سیستم تجارت چندجانبه و الحاق به سازمان جهانی تجارت نمایند. به عنوان مثال اگرچه در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه موضوع جهش صادراتی به صورت جدی در دستور کار دولت قرار گرفت و قوانین و مقررات متعددی برای برطرف کردن موانع موجود بر سر راه توسعه صادرات غیر نفتی به تصویب رسید، اما در این دو برنامه هیچ‌گاه صادرات صنعتی به عنوان محور توسعه اقتصادی مطرح نشده است. به دلیل تدوین نکردن استراتژی صادرات صنعتی همواره این نگرانی بین مسئولین و کارشناسان وجود داشته که با ورود ایران به سازمان جهانی تجارت، صنایع ایران به دلیل توان پایین رقابتی، از گردونه رقابت حذف خواهند شد و این مسئله مشکلات عدیده‌ای را برای تولید و اشتغال کشور به وجود خواهد آورد. (امیدبخش، ۱۳۹۴: ۵)

۳-۱-۱. سیاست تجاری

بحث دیگری که درون تمامی راهبردهای توسعه‌ای کشورها لحاظ می‌گردد و وجود آن خود نشان از تدوین و اجرای راهبرد توسعه ملی برای آماده سازی الحاق به WTO است، داشتن سیاست تجاری است. سیاست تجاری مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و مواضع مذاکره‌ای است که توسط دولت‌ها و با هدف دسترسی به بازار تثبیت شده برای شرکت‌های داخلی اتخاذ می‌شود. این سیاست‌ها اگرچه توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شود، اما می‌تواند در یک فرآیند رفت و برگشتی با نهادهای بخش خصوصی، نظیر آنچه در قانون کسب و کار پیش‌بینی شده است تبیین شود. سیاست تجاری ابزاری برای انتقال امکانات اقتصاد جهانی به داخل و نیز انتقال توانمندی‌های ملی به بازار جهانی است. آنچه امروزه در دنیا به ویژه پس از شکل‌گیری WTO حاکم شده است غالب شدن سیاست تجاری به عنوان وجه مسلط سیاست اقتصادی کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در هیچ نظام تجارتی قاعده‌مند و تعهدآوری عضو نیست و این یکی از مهمترین ضعف‌ها و نقصان‌های اقتصادی و تجاری کشور است. در میان کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و کشورهای جهان است. به همین دلیل به این سازمان قرار دارند، ایران غیر فعال‌ترین کشور در پیمان‌های دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی است. به همین دلیل به سیاست‌های تجاری کشورهای نظیر ایران، عبارت خودمختار اطلاق می‌شود. در حال حاضر ایران با معدودی از کشورها نظیر پاکستان، تونس، سوریه، کوبا و بوسنی و هرزگوین دارای موافقت‌نامه تعرفه ترجیحی است، که تا به حال ارزیابی‌ای توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و به ویژه سازمان توسعه تجارت در رابطه با میزان افزایش تجارت ایران با این کشورها پس از انعقاد این توافقات انجام نگرفته است. مهمترین تشکل تجاری منطقه‌ای که ایران در آن عضویت دارد نیز اکو است. رشد تجارت درون‌گروهی این سازمان تا به حال بسیار کند

بوده و حجم مبادلات بازرگانی کشورهای عضو با هم در سال ۲۰۱۲ حدود ۸/۹ درصد کل مبادلات خارجی آنان بوده که در این میان، سهم تجارت درون‌اکویی ایران از کل تجارت خارجی‌اش کمتر از تمام دیگر اعضای اکو و حدود ۴/۷ درصد بوده است. این وضعیت در مورد سایر ترتیبات منطقه‌ای که ایران عضو آن‌هاست، یعنی گروه هشت کشور در حال توسعه مسلمان (دی‌هشت) و سازمان همکاری‌های اسلامی نیز صدق می‌کند. (موسوی زنوز، ۱۳۹۳: ۱۳۸) همچنین مهمترین موافقت نامه تجاری اکو، یعنی موافقت نامه اکتا^۱ که ایران نیز یکی از اعضای این موافقت نامه است تاکنون اجرایی نشده است. هر چند با امضای موافقت نامه هسته‌ای و کاهش تنش‌های سیاسی در روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای غربی، کشورهای بیشتری خواهان گسترش روابط تجاری و اقتصادی با ایران هستند، اما شکل گیری و تعمیق این روابط و اثرگذاری آن بر اقتصاد کشور نیازمند زمان طولانی و برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق و هدفمند است.

۳-۱-۲. قوانین و مقررات داخلی

یکی دیگر از مسائلی که در راهبردها و برنامه‌های توسعه‌ای ایران و در جهت آمادگی برای الحاق به سازمان جهانی تجارت به آن توجه نشده و برای حل آن برنامه‌ریزی صورت نگرفته است، مغایرت بسیاری از قوانین و مقررات داخلی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و تجاری با مقررات بین‌المللی و قوانین سازمان جهانی تجارت است. مسئله‌ای که بسیاری از کشورهایی که به سازمان ملحق شده اند، قبل از شروع فرآیند الحاق آن را مورد بررسی قرار داده و در چارچوب راهبرد ملی توسعه‌ای خود به تطبیق چارچوب‌ها و مقررات داخلی خود با مقررات سازمان جهانی تجارت پرداخته‌اند. برای نمونه در موضوع جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بسیاری از قوانین داخلی از قبیل برخی از اصول قانون اساسی، برخی از قوانین مصوب مجلس و غیره، موانع اساسی محسوب شده و علاوه بر ایجاد مشکل در الحاق به سازمان جهانی تجارت، منجر به سلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور می‌گردند. برخی از موانع جذب سرمایه‌های خارجی در ایران که مغایرت کاملی با قوانین سازمان جهانی تجارت دارند عبارتند از:

اصل ۸۱ قانون اساسی: بر اساس این اصل "دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است". بر طبق این اصل سرمایه‌گذار خارجی نمی‌تواند هیچگونه شرکت و موسسه‌ای را در اختیار بگیرد. همچنین این اصل تأثیر بسیار منفی بر ذهنیت سرمایه‌گذار خارجی در مورد فضای قانونی حاکم بر کشور می‌گذارد.

اصل ۴۴ قانون اساسی: در اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع مادر، صنایع بزرگ و یک رشته صنایع و بخش‌های مهم دیگر (مثل بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه

1 Economic cooperation organization Trade Agreement (ECOTA)

و راه آهن) دولتی معرفی گردیده است. هرچند ابلاغیه مقام معظم رهبری در مورد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ امکان حقوقی فعالیت بخش خصوصی در اکثر صنایع مهم نام برده شده در این اصل را فراهم کرده است، با این حال این اصل صرف نظر از ابلاغیه مهم مقام معظم رهبری، این توهّم را در ذهن سرمایه‌گذار خارجی ایجاد می‌کند که اگر صنعتی توسط بخش خصوصی (داخلی یا خارجی) ایجاد شد و توسعه یافت و به صنایع بزرگ تبدیل شد، در معرض دولتی شدن و ملی شدن قرار می‌گیرد.

در قانون تشویق و جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز مغایرت‌های فراوانی با قوانین سازمان جهانی تجارت دیده می‌شود. مثلاً در ماده ۲ این قانون آمده است "تملك هر نوع زمین به هر میزان و به نام هر سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز نیست". برخی از مواد و تبصره‌های دیگر این قانون از قبیل بند ششم از تبصره الف ماده ۴ آیین نامه آن در خصوص ویژگی‌ها و تسهیلات مشترک، ماده ۲۳ آیین نامه آن در مورد خروج سرمایه و منافع مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی و ماده ۲۴ در خصوص تأمین ارز مورد نیاز برای سرمایه‌گذار خارجی و ماده ۲۶ در خصوص ایجاد برخی محدودیت‌ها توسط دولت برای صادرات کالاها و خدمات نیز با مقررات سازمان جهانی تجارت تطابق و سازگاری ندارد. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که قانونی که هدفش تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور است نیز دارای برخی از مواد و تبصره‌هایی است که خود می‌تواند مواعی بر سر راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و مشکلاتی بر سر راه الحاق ایران به WTO ایجاد نماید. (زارع، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۵۸)

۳-۱-۳. حقوق مالکیت معنوی

نمونه دیگر عدم تطابق برنامه‌های توسعه‌ای در ایران با قوانین بین‌المللی تجاری و اقتصادی، بی‌توجهی به حقوق مالکیت فکری در قوانین ایران است. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (Trips) هر یک از اعضای سازمان را ملزم به تأمین معیارهای حداقل مشخصی در مورد حمایت از مالکیت فکری و اعمال این معیارها از طریق نظام حقوق داخلی خود می‌کند. معیارهای مورد نظر، دربرگیرنده-و در برخی از موارد فراتر از- الزامات اساسی مندرج در مهمترین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به مالکیت فکری، یعنی کنوانسیون‌های برن (در مورد نسخه برداری) و پاریس (در مورد حق اختراع)، معاهده واشنگتن (در مورد مدارهای یکپارچه) و سایر کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) هستند. (دبیرخانه انکتاد، ۱۳۸۱: ۴۰) اما به رغم

1 Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

2 Berne Convention

3 Paris Convention

4 Washington Treaty

5 World Intellectual Property Organization (WIPO)

پیوستن ایران به کنوانسیون پاریس (برای حمایت از مالکیت صنعتی) در سال ۱۳۳۷، هنوز قوانین لازم برای اجرای کامل مفاد این کنوانسیون در سطح داخلی تصویب نشده است. در مورد مالکیت ادبی نیز، طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ از آثار ادبی چاپ داخل حمایت می‌گردد، ولی از آثار ادبی منتشر شده در خارج از کشور حمایتی صورت نمی‌گیرد که اختلاف آشکاری با قوانین سازمان جهانی تجارت دارد.

۳-۱-۴. مشکلات نهادی

در بحث ساختار اجرائی بازرگانی خارجی، یکی از مسائل مورد توجه سازمان جهانی تجارت تعداد و حیطه اختیار سازمان‌های دولتی مسئول تعیین و اجرای سیاست‌های مؤثر بر تجارت خارجی است. طبیعتاً این انتظار وجود دارد که وزارت صنعت، معدن و تجارت در صدر سازمان‌های مربوطه قرار گیرد، اما مطالعات انجام شده بیانگر مداخله سازمان‌های متعدد دیگری در زمینه تدوین و اجرای سیاست‌های بازرگانی است. (فاخری، ۱۳۸۶: ۲۰۵) در حالی که در برنامه‌های توسعه به این موضوع پرداخته نشده و چارچوب‌های قانونی نهادی برای اداره بخش اقتصاد و تجارت خارجی مشخص نشده است.

۳-۱-۵. سند چشم‌انداز بیست ساله

یکی دیگر از ضعف‌های برنامه‌های اجرا شده در ایران تا قبل از برنامه چهارم این بوده است که هیچ کدام از آنها در قالب یک راهبرد دراز مدت تهیه و تدوین نشده است. نکته مثبتی که در تهیه برنامه‌های چهارم اتفاق افتاده، این است که ابتدا افق چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ای برای کشور تدوین شده و در قالب آن چهار برنامه ۵ ساله پیش‌بینی شده است که نفس نگاه بلند مدت، یک نگاه نو در تاریخ برنامه‌ریزی ایران محسوب می‌شود. اما این سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ تدوین شده است نیز در ۱۰ سالی که از آن گذشته عملاً نتوانسته است ایران را آماده الحاق به سازمان جهانی تجارت کند. واقعیت آن است که طی ده سال گذشته در برخی از بخش‌ها نظیر علوم و فناوری مطابق با سند چشم‌انداز حرکت شده و به پیشرفت‌های بسیاری رسیده ایم، اما حوزه اقتصاد از جمله بخش‌هایی است که هنوز تا رسیدن به افق ۱۴۰۴ راه درازی در پیش دارد. در حالی که اقتصاد از جمله حوزه‌های مهمی است که می‌بایست برای رسیدن به افق سند چشم‌انداز، توسعه یافته و رونق پیدا کند. مثلاً در سند چشم‌انداز تأکید شده است که بیش از ۲۵ درصد از ظرفیت اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ در اختیار بخش‌های تعاونی قرار گیرد. اما پیگیری نمودارهای اقتصادی در بخش تعاون نشان می‌دهد که هنوز برای رسیدن به چنین جایگاهی راه درازی باید پیمود. یا در بحث خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی روشی که برای واگذاری‌ها انتخاب شده نه تنها اقتصاد ایران را به سمت اهداف سند چشم‌انداز هدایت نمی‌کند، بلکه با واگذاری شرکت‌های دولتی به ارگان‌های دولتی و نیمه دولتی وضعیت اقتصادی کشور را



پیچیده‌تر و غیر شفاف کرده و مسیر الحاق به سازمان جهانی تجارت را بسیار سخت‌تر از گذشته کرده است. علی‌رغم اینکه چندین سال است که از تصویب قانون خصوصی سازی در کشور می‌گذرد ولی موفقیت چندانی در اجرای آن حاصل نشده است، زیرا بستر مناسب برای اجرای آن ایجاد نشده و با مشکلاتی از قبیل فقدان پس‌انداز و سرمایه کافی در بخش خصوصی داخلی و عدم کارای بازار سرمایه و بورس مواجه است. (زارع، ۱۳۸۵: ۱۱۵۱) مثال دیگر در بخش حمل و نقل ریلی است که برای رسیدن به افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌بایست ۱۱۰۰۰ کیلومتر دیگر، طی ده سال آینده ریل گذاری شود. به عبارت روشن‌تر، از سال ۱۳۹۴ هر سال بیش از ۱۱۰۰ کیلومتر ریل گذاری مورد نیاز است. در حالی که مطابق آمارهای سخنگوی کمیسیون عمرانی مجلس نهم، ایران در حال حاضر تنها امکان حداکثر ۲۰۰ کیلومتر ریل گذاری در هر سال را داراست. (payamonline.net) مرور برنامه‌های توسعه‌ای ایران نیز نشان می‌دهد که در زمینه‌هایی نظیر برنامه‌های خصوصی سازی و رویه‌های تجارت دولتی، سیاست‌های رقابتی، سیاست‌های قیمت گذاری، تنظیم واردات و صادرات و غیره اختلافات آشکاری با قوانین سازمان جهانی تجارت وجود دارد. بررسی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که راهبرد توسعه‌ای غالب در مقاطع مهمی از تاریخ سیاست تجاری کشور، سیاست جایگزینی واردات بوده است که مقتضیات آن تعارضات زیادی با الزامات نظام تجاری چند جانبه و در نتیجه سازمان جهانی تجارت دارد. از سوی دیگر ناکامی‌های گسترده در اجرای این برنامه‌های توسعه وضعیت تجارت خارجی و اقتصاد داخلی کشور را به مرحله‌ای که آماده الحاق به سازمان شده باشد نرسانده است. حجم و ترکیب صادرات ایران گویای این واقعیت است. برای نمونه سهم ایران از صادرات کالا و خدمات جهان با وجود احتساب نفت و گاز از ۰/۶۹ درصد در سال ۱۹۶۶ و ۲/۳ درصد در سال ۱۹۷۵ به کمتر از ۰/۴ درصد در سال ۲۰۰۳ و ۰/۴۵ درصد در سال ۲۰۰۴ کاهش یافت. در حالی که کشورهایی نظیر کره جنوبی، سنگاپور، اندونزی و مالزی که سهم کمتر یا مساوی ایران در سال ۱۹۶۵ داشتند در سال ۲۰۰۴ بین ۰/۷ تا ۲/۶ درصد از صادرات کالایی جهان را به بازرگانان خود اختصاص داده‌اند. همچنین، در حال حاضر تنها ۱۰ درصد از صادرات ایران را صنایع کارخانه‌ای تشکیل می‌دهند و ۹۰ درصد مابقی را مواد خام و فاقد ارزش افزوده تشکیل می‌دهند. در بحث واردات کالا و تجارت خدمات نیز سهم ایران نسبت به بسیاری از کشورها پایین‌تر است. برای نمونه ارزش واردات کالایی جهان در سال ۲۰۰۳ معادل ۹۳۵۵ میلیارد دلار بوده است که واردات ۳۱/۳۸ میلیارد دلاری ایران در سال یاد شده کمتر از ۰/۳ درصد آن را تشکیل می‌دهد. در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز ایران در سال ۲۰۰۶ در رتبه ۱۳۳ قرار داشته است. در حالی که سرمایه‌های خارجی وارد شده به ایران در طول دهه ۱۳۷۰ تقریباً ۳ میلیارد دلار و بیشتر در صنایع نفت و گاز بوده است. این آمار نشان دهنده بالا بودن خطر سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران و نبود امنیت اقتصادی لازم از دید سرمایه گذاران خارجی است. البته واضح است که دلیل اصلی این مسئله مشکلات و اختلافات سیاسی ایران با کشورهای غربی است. بر اساس آمار و ارقام ارائه شده از سوی آنگتاد طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۹۵ به طور متوسط سالانه ۴۷ میلیون دلار از سرمایه‌گذاری‌های قبلی از ایران خارج گردیده است. در بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی کشور بین ۲۴ تا ۵۳ میلیون دلار در نوسان بوده است. در سال ۲۰۰۵ تنها ۳۶۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است. ایران در بین ۱۴ کشور خاورمیانه از این نظر در جایگاه نهم قرار دارد. (دژم خوی، ۱۳۸۵، ص ۴۰) تأثیر رویکردهای درون‌نگر و حمایت‌گرا در سیاست تجاری جمهوری اسلامی ایران به حدی بوده که این کشور نتوانسته حتی با مهم‌ترین شریک تجاری همسایه خود، یعنی ترکیه ترتیبات تجاری مؤثری ایجاد کند. در حال حاضر با این کشور تنها یک موافقت‌نامه تجارت مرزی با حوزه شمول بسیار محدود وجود دارد که در قالب آن، ترجیحات تعرفه‌ای غیرقابل ملاحظه‌ای برای حدود ۶۰ الی ۷۰ کالا از هر طرف در نظر گرفته شده است. این همه در حالی است که حتی کشورهایی که عضو سازمان جهانی تجارت هم هستند و از مزایای آن در گسترش تجارت نهایت بهره را برده‌اند، به آن اکتفا نکرده و در کنار عضویت در این سازمان، روز به روز تعداد معاهدات تجارت ترجیحی یا آزاد خود را با دیگر کشورها گسترش می‌دهند. شاخص‌های دیگری چون نرخ متوسط تعرفه‌ها، تعداد طبقات تعرفه‌ای و میزان رواج رویه‌های حمایتی نامطلوب از نظر ترتیبات تجاری و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان جهانی تجارت، نیز به خوبی نشان‌گر استفاده نکردن از ظرفیت‌های تجارت خارجی برای تحقق اهداف توسعه و رفاه است. برای نمونه، گزارشی که به تازگی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهیه شده، نشان می‌دهد که ایران در سال ۱۳۹۲ با نرخ متوسط ۱۹/۸، بعد از سه کشور سودان، جیبوتی و موریتانی، بالاترین نرخ تعرفه‌ها را در میان کشورهای مناطق مرکز و غرب آسیا، قفقاز، خاورمیانه و آفریقا دارا بوده است. این در حالی است که متوسط نرخ تعرفه‌ها در سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۶ درصد و در نتیجه تعرفه‌های ما حتی از این سه کشور هم بالاتر بوده، لیکن بعد از افزایش شدید نرخ مبادله ارز در ایران، دولت تصمیم به کاهش تعرفه‌ها گرفته است. (موسوی زنوز، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۹) در رابطه با تولید ناخالص داخلی نیز، طبق آمارهای بانک جهانی نیز نرخ رشد ایران از ۶/۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۶/۶ درصد زیر صفر (۶/۶- درصد) در سال ۲۰۱۲ و ۱/۹- درصد در سال ۲۰۱۳ و ۱/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ رسید. (مبینی دهکردی، ۱۳۸۸: ۳۹۴-۳۹۵)

در واقع مسئله‌ای که ضرورت تدوین و اجرای راهبرد ملی توسعه برای آماده سازی کشور جهت الحاق به سازمان جهانی تجارت را پیش می‌کشد این مسئله است که اصولاً بدون انجام اصلاحات اقتصادی و صنعتی، الحاق به WTO دشوار بوده و در صورت به نتیجه رسیدن نیز ممکن است در ابتدا هزینه‌های بسیاری برای اقتصاد و صنعت کشور به دنبال داشته باشد، چرا که ساختارهای اقتصادی کشور، آماده این الحاق نبوده و در نتیجه ممکن است در اثر آزادسازی تجاری و بازگشایی مرزها بر روی تولیدات خارجی، شرکت‌های داخلی که توان رقابت جهانی را ندارند از صحنه رقابت خارج شده و اقتصاد کشور را با بحران فزاینده مواجه سازند. همچنین طولانی شدن فرآیند الحاق بستگی به آمادگی کشور متقاضی برای قبول قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت و میزان گشایش بازار کالا و خدمات خود به روی سایر اعضاء دارد. به عبارت دیگر هر کشور متقاضی که زودتر خواسته‌ها را اجابت کند و پذیرای تعهدات مربوطه شود و نظر گروه کاری را جلب کند، فرآیند مذاکرات الحاق آن کشور

زودتر پایان می‌یابد. (www.wordbank.org) اما علی‌رغم اینکه در برخی از برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران به پیش نیازهای الحاق به سازمان توجه شده، اما راهبردهایی برای اجرایی کردن آنها تدوین نشده و در برخی از موارد نیز این برنامه‌ها اجرایی نشده‌اند. بعلاوه در برخی از حوزه‌ها نیز تناقضات آشکاری با مقررات و رویه‌های جاری تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت وجود دارد که در برنامه‌ها و راهبردهای توسعه‌ای به آنها توجه نشده و برای رفع آنها برنامه ریزی صورت نگرفته است. بنابراین حتی اگر موانع سیاسی برای الحاق کشورمان به سازمان جهانی تجارت برداشته شود، هنوز موانع دیگری وجود دارد که الحاق ایران به سازمان را با مشکل مواجه سازد.

۴. نتیجه‌گیری

بدون تردید سازمان جهانی تجارت مهم‌ترین نهاد تجاری بین‌المللی است که وظیفه قانون‌گذاری، هدایت، روان‌سازی و نظارت در موضوع تجارت بین‌الملل را بر عهده دارد. تشکیل این سازمان که از نتایج مذاکرات دور اروگوئه بود، تحولی عظیم در اقتصاد و تجارت جهانی ایجاد کرد. هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد از تجارت جهانی در اختیار کشورهای عضو این سازمان بوده و تحت شمول قوانین و مقررات این سازمان انجام می‌گیرد. در واقع تشکیل سازمان جهانی تجارت مکانیسم جدیدی برای تصمیم‌گیری در صحنه بین‌الملل بوجود آورد. در این شرایط جدید، اکنون دولت ایران با این سازمان و باریگران دیگری که با جایجایی قدرت، باعث شده‌اند که نیروهای اقتصادی به تصمیم‌گیرندگان اصلی تبدیل شوند، مواجه است. این سازمان هم‌اکنون بیش از ۱۶۰ کشور جهان را شامل می‌شود و بیش از ۹۰ درصد از تجارت جهانی تحت قواعد و قوانین این سازمان انجام می‌گیرد. از این رو اگر کشوری می‌خواهد سهمی از این حجم تجارت جهانی تحت قواعد و قوانین این سازمان انجام می‌گیرد. بنا به این دلایل و الزامات بود که در دهه دوم انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت به این سازمان بپیوندد. این کشور پس از ارسال درخواست رسمی مبنی بر الحاق در سال ۱۳۷۵ و پس از کشمکش‌های فراوان توانست در سال ۱۳۸۴ با وضعیت ناظر، در این سازمان پذیرفته شود. اما کسب وضعیت ناظر در این سازمان تنها مرحله آغازین از یک روند طولانی است و تصویب عضویت دائم کشورمان در این سازمان نیازمند آمادگی داخلی و مذاکرات طولانی و پیچیده خارجی است.

واقعیت این است که که در طی بیست سال گذشته، مخالفت کشورهای غربی و بخصوص آمریکا با الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت، دلیل اصلی عدم توفیق کشورمان در الحاق به این سازمان بوده است. اما در کنار مخالفت‌های سیاسی آمریکا با الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، یکسری دلایل دیگر نیز موجب عدم توفیق کشورمان در دستیابی به این هدف شده است. این دلایل عموماً داخلی بوده و به کیفیت اقدامات و تدابیر داخلی برای کسب آمادگی برای الحاق به این سازمان بر می‌گردد. به عبارت دیگر حتی اگر مخالفت سیاسی آمریکا و سایر متحدان این کشور در درون WTO با عضویت ایران از بین برود و این کشورها

مخالفتی با الحاق کشورمان به این سازمان نداشته باشند، باز هم یکسری مشکلات و موانع وجود دارد که در صورت حل و فصل نکردن آنها و انجام ندادن اقداماتی برای رفع آنها، کماکان فرآیند الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین اگر الحاق به سازمان جهانی تجارت را نیازمند کسب برخی الزامات و پیش نیازها داخلی در زمینه تدوین و اجرای راهبرد و برنامه‌های توسعه ملی بدانیم می‌توان به طور خلاصه گفت که در طی بیش از سه دهه پس از انقلاب اسلامی اقدامات بسیار ارزنده‌ای در راستای توسعه و پیشرفت ایران صورت گرفته است و این اقدامات توانسته‌اند میلیون‌ها انسان را از فقر رها ساخته و ضریب امنیت اجتماعی و اقتصادی در ایران را افزایش دهند. اما بررسی شاخص‌هایی نظیر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی، شفافیت اقتصادی، خصوصی سازی و اجرای اصول اقتصاد بازار، تنوع کالاهای اساسی ساخت داخل، میزان صادرات و واردات، روابط اقتصادی و تجاری خارجی، مقررات و نهادهای منطبق بر مقررات WTO و غیره (که همگی از اصول سازمان جهانی تجارت بوده و هر کشوری که قصد عضویت در این نهاد بین‌المللی را دارد، باید در صدد کسب و به کارگیری آنها برآید) در ایران نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است در این شاخص‌ها معدل خوبی را کسب نماید. این موضوعات تماماً شاخص‌هایی هستند که کشورهای موفق در اقتصاد جهانی و مؤثر در WTO نمره بالایی در آنها داشته‌اند. به علاوه، عموم کشورهایی که پروسه الحاق به این سازمان را طی کرده و با ورود به این سازمان توانسته‌اند جهش فوق العاده‌ای به اقتصاد داخلی و تجارت خارجی خود بدهند، در ابتدای ورود به این سازمان راهبرد ملی توسعه‌ای خود را تدوین کرده و بر اساس آن به تقویت اقتصاد داخلی و کسب آمادگی در صنعت، کشاورزی، تجارت و سایر بخش‌های خود پرداخته و سپس به عضویت سازمان درآمدند. مورد چین که در این مقاله به صورت خلاصه مورد بررسی قرار گرفت نمونه موفق چنین کشورهایی است. اما مرور برنامه‌ها و تجربیات توسعه‌ای در ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم توفیق در اجرای برخی از برنامه‌ها از قبیل هدفمند کردن یارانه‌ها، هنوز راه درازی تا کسب آمادگی کامل برای الحاق به سازمان جهانی تجارت و استفاده مؤثر از امکانات و فرصت‌های آن برای توسعه ملی وجود دارد. بدون تردید اگر این آمادگی‌های داخلی در صنعت و تجارت و اقتصاد کشور صورت نگیرد، باز هم شاهد طولانی‌تر شدن پروسه الحاق کشورمان به سازمان جهانی تجارت خواهیم بود.



منابع

- امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۸)، *فرآیند الحاق به سازمان جهانی تجارت (تجربه برخی کشورهای منتخب)*، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- امید بخش، اسفندیار (خرداد ۱۳۹۴)، *"ویژه نامه دومین همایش دیپلماسی تجاری"*، خبرنامه انجمن علمی بازرگانی ایران، شماره ۱۰۶۷.
- بزرگی، وحید (۱۳۸۶)، *درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران*، تهران، نشر قومس.
- جوادی ارجمند، محمد جواد (پاییز ۱۳۸۶)، *"جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران"*، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۷، شماره ۳.
- دبیرخانه آنکتاد (۱۳۸۱)، *چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت*، ترجمه جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- زارع، محمد حسن (۱۳۸۵)، *سرمایه گذاری خارجی و سازمان جهانی تجارت*، با نگاهی به وضعیت ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (مرداد ۱۳۸۲)، *سیاست‌های کلی سند چشم انداز بلند مدت توسعه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۹۳)، *"جایگاه نظام رهبری چین در تداوم فرآیند توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی از ۱۹۷۹ تاکنون"*، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۷، شماره ۲۵.
- سنائی، اردشیر (دی ۱۳۸۳)، *"ایران و سازمان تجارت جهانی: بیستمین و نوبت آمریکا"*، *گزیده تحولات جهان*، شماره ۳۱.
- عبدیان، مسعود (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۶)، *"ارزیابی پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی"*، *مجله برنامه ریزی و بودجه*، شماره ۱۳ و ۱۴.
- فاخری، مهدی (۱۳۸۶)، *سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فتحی، یحیی (۱۳۸۹)، *دیپلماسی تجاری: اصول و مبانی، عوامل تعیین کننده و تجربه کشورهای منتخب*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- مبینی دهکردی، علی، مسعود هاشمیان (۱۳۸۸)، *رویکرد دیپلماسی اقتصادی در منطقه و جهان: الزام روابط خارجی توسعه گرا*، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مجله فرهنگ و تعاون (آبان ۱۳۸۳)، "ایران و WTO، فرآیند چانه زنی"، مجله فرهنگ و تعاون، شماره ۳۱.

مرادپور، فرزاد، ایران، (۱۳۸۴) "از عضویت ناظر در گات تا تقاضای عضویت در سازمان جهانی تجارت"، خبرنامه رویدادها و تحلیل‌های سازمان جهانی تجارت، سال نهم، شماره ۶۹.

موسوی زنوز، موسی، (بهار ۱۳۹۳)، "رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۵، شماره ۱۴.

وزارت امور خارجه (جمعی از پژوهشگران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی) (۱۳۹۰)، سازمان جهانی تجارت (کتاب سبز)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

منابع اینترنتی

سایت پیام آنلاین، ۲۵ بهمن ۱۳۹۲

. (۲۵ خرداد ۱۳۹۴) - <http://payamonline.net/economy/item/3026-2015-02-14-10-46>

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۴ مرداد ۱۳۹۴). قابلیت دسترسی در:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۴ مرداد ۱۳۹۴). قابلیت دسترسی در:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایت مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی، (۴ مرداد ۱۳۹۴). قابلیت دسترسی در:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>

"نمایش اقتصاد ایران در ۲۱۴ صفحه: گزارش رژیم تجارت خارجی"، سایت روزنامه دنیای

اقتصاد، قابل دسترسی در:

[http://donya-e-eqtesad.com/news/585033/\(4/5/1394\)](http://donya-e-eqtesad.com/news/585033/(4/5/1394))

Alavi, s. Jalal (Fall 2010), "Accession of Iran to the World Trade Organization: A Legal-Political Overview," *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol.1, No.3.

Bora, Bijit (2000), *Industrial Policy and the world Trade Organization*, New York: United nation press.

Bretherton, Charlotte (1991), *Global Politics*, Cambridge: Blackwell publishers.

Coolseat, Rick (1998), *The Transformation of Diplomacy at The Threshold of the New Milleniom*, Belgium: University of Ghent.



Franklin, Allen(2006),**china's financial system: past, present and future**,Philadelphia:Wharton school: university of Pennsylvania press.

Guzman, Andrew t (2006), **International Trade Law, Berkely**, California: University of California.

Hockman, Bernard (2 may 2014)" **the WTO: Fancions and Basic Principles**" (2002),

Available;http://fisip.ileam.unand.ac..id/pluginfile.php/700/mod_resource/content/1/baham%20bacaan... (2 may 2014),41-43.

Hooghe, Ingrid (2007), "**The Rise of china's Public Diplomacy**", Netherlands Institute of International Relations Clingendael, Clingendael Diplomacy Papers No. 12, (2007).

Lal dos, Bhagirath (1999), **the Word Trade Organization**, London and New York: Zeb Book.

Morrison, Wayne .M (December 2012)," **China's Economic Conditions**", Congressional Research Service.

<http://wordbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG>(26 July 2015).



Archive of SID

National Development Strategy and Iran's Joining to The World Trade Organization (WTO)

Seyyed Mohammad Mousavi Dehmourdi, Vahid Bozorgi

Received: 02 January 2016

Accepted: 01 July 2016

Experts believe that Islamic Republic of Iran's joining to World Trade Organization (WTO) have tremendous benefits for the country such as improving the domestic economy as well as boosting international ties and partnerships. Iran has filed the application to join the WTO in 1996 but ever since it's efforts have been marred by a variety of reasons, both interior country problems and exterior barrier such as opposition of USA to Iran's membership. This research aims to explore the efforts made by Iran during recent decades in regard to the implementation of General Agreement on Tariffs and Trade (GATT) as well as the WTO accession. Furthermore, it has been concluded that while Iran made significant steps forward to alter its actions and Grand Strategy of National Development in order to further reconcile with the WTO criterion, there are still irreconcilable differences between Iran's domestic economy and the standards required by the World Trade Organization and global economic sphere. This article seeks to study the plans and actions of the Islamic Republic of Iran in the direction of national development and accession to the World Trade Organization and It has been attempted to answer the question of whether Iran's national development plans and strategies have prepared the country for accession to the World Trade Organization.

Keywords: *The Strategy of National Development, policy making, Accession, World Trade Organization (WTO), Islamic Republic of Iran.*